

## تاریخ نویسی از روی افسانه

نوشته هائی را که در سایت های انترنتی راجع به "یما" پادشاه نوشته بودند، مطالعه کردم، قانع کننده نیافتم، خواستم به نویسندگان غیرفارسی زبان مراجعه کنم تا از دید نسبتاً بیطرف به قضیه، اسناد بدست آورده باشم، ولی هر قدر کوشش کردم به نوشته برخورد نکردم که قصه "یما" پادشاه را بیان کند، ناچار به همین نوشته ها که اکثراً تکرار همان افسانه است، کفایت کردم، چون نوشته ها باهم مشابه هستند، برای جلوگیری از تکرار مطالب، از متن کامل هر کدام صرف نظر، آنچه به تکمیل همدیگر کمک میکنند، قرار ذیل ارائه کرده و در اخیر نظر خود را بیان میدارم.

از سایت خاوران نوشته حلیم تتویر

"اگر به گذشته کوتاه نظری کنیم در می یابیم که آریانای کهن در محور شهر باستانی بلخ مدنیت درخشان پنجهزار ساله افغانستان را داشت. مدنیته که شامل افغانستان کنونی، هند، فارس (ایران) و آسیای میانه می گردید. قبل از گسترش دین اسلام، مدنیت آریایی به عنوان مهد تمدن و زبان در تاریخ قدیم جهان همیشه بحث های علمی دارد. بلخ مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زردتشتی بود. زردتشت خود اهل و متولد شهر بلخ بود و به قول بیشتر مستشرقین زادگاه زردتشت را بلخ باختر (بخدی) می دانند."

از سایت بی بی سی به نسبت چشن نو روز

"زمانیکه جمشید در بلخ به تخت می نشست و پرچم های سپید در 'بلخ بامی' بلند می کرد و به روایتی دیگر در این روز یما پادشاه توسط دیوان به هوا برده می شد."

از ویکی پدیای فارسی

"در تاریخ باستان، بلهیکا یا باختر را همان "بخدی" اوستا می دانند که با استناد به اقوال محققین، این شهر باستانی کانون رهایش و مدنیت شاخه هندواروپایی است که در فلات ایران و هند بسط و توسعه یافت و در عصر ودائی ها، آریاییان از شمال به جنوب سلسله کوه های هندوکش پراکنده شدند.

باختر مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زرتشتی بود. بیشتر خاورشناسان زادگاه زردتشت را باختر (بخدی) می دانند.

در اوستا با کلمات ساده، از زندگی بدون تکلف و آرایش یما (جمشید) پادشاه سخن رانده شده است. نام پادشاهان آریایی که بنیان گذار برابری، حکمروایی و اداره بودند به پیشدادیان باختر نیز معروف است. در سرودهای ودائی از "یاما" که در اوستا "یما" است، نام برده اند.

پادشاهان قدیم بلخ عبارت بودند از پیشدادیان، کیانیان، اسپه ها که پسانها در شاهنامه فردوسی و روایات مؤرخان نیز از آنها یاد شده است. آریایی ها که به باختریان ثروتمند نیز شهرت داشتند، در اوایل هجوم و حملات قبیله های بدوی آسیای مرکزی قرار گرفتند. زمانیکه مادها و سپس هخامنشی ها، دولت های خود را در هگمتانه و پارس شکل دادند و اداره آنان نظم گرفت، میان سالهای ۵۴۰ و ۵۴۵ قبل از میلاد متوجه باختریان گردیدند و برای تسخیر این سرزمین ثروتمند لشکرکشی ها کردند. سپس مناطق کرمانیا، پارت، باختر، هریوا، ستاگیدیا (افغانستان مرکزی) و درنگیانا در تصرف هخامنشی ها درآمد. بعد از کوروش، داریوش از جمله شاهان مقتدری بود که به مناطق مفتوحه قناعت نکرده و سلسله فتوحات خود را تا دامنه سند ادامه داد. سپس متوجه غرب پارس شد. در این زمان

اداره کنندگان ساتراپی های شرقی خواهان استقلال و تأسیس سلطنت های جداگانه شدند و تحرک استقلال طلبی باعث شد تا مردم، "یسوس" والی باختریان را پادشاه این سرزمین اعلان کنند.

تبصره اینجانب برنوشته های بالا

کلمه بلهیکا را به باخترتبدیل کرده، دوحرفیکه هیچ شباهتی بیک دیگر ندارند، فقط حرف اول هر کدام به ب شروع شده که میتواند هزاران حرف دیگری را با ب شروع کرد، از اقوال محققین یاد میکند، معلوم نیست کدام محققین؟ از شهرباستانی بی تاریخ حرف میزند، شاید منظورش شهر پنج هزار ساله افسانه باشد، این ها را به جایش گذاشته و با یک خیز 2400 ساله ( زردشت حدود 600 سال و "یما" پادشاه 3000 هزار سال قبل از میلاد بود) خود را به زردشت رسانده، وقصه "یما ی" پنج هزار ساله را خاتمه داده.

تاریخ قدیم را میشود با تفاوت چند ده سال و یا صد سال قابل اغماض دانست ولی 2400 سال مدت بسیار طولیبست که غیر قابل اغماض است، میشود گفت نصف تاریخ را نادیده گرفتن است. زمانیک از افسانه خارج و به تاریخ واقعی میپردازد، مینویسد هخامنشی ها در 540 قبل از میلاد چه کارهای کرده بودند. تاریخ 540 قبل از میلاد تاریخ درستی است، اما از شروع سلطنت یما با بیرق های بلند، از پنج هزار سال به بعد الا تولد زردشت که مدت 2400 سال میگذرد، نه قصه، نه آثار تاریخی ارائه میدهند.. تازه معلوم نیست این قصه 2400 ساله چطور با آن شرایط تا تولد زردشت باقی مانده بود. جالب اینکه در نام "یما" و "یا" جمشید"، اختلاف نظری ندارند ولی نام زردشت که 2400 سال بعد از "یما" میزیسته است، اختلاف نظر دارند.

در همین ویکی پدیا میخوانیم

"در اوستا زرت آشتَر به معنی «شتر زردفام» است. بیشتر از ده شکل برای نام زرتشت در زبان فارسی موجود است. زارتشت، زار هشت، زرادشت، زار هوشت، زردهشت، زراتشت، زرادشت، زرتشت، زرهشت، زرهشت، زرهشت از این قبیل است ولی او خود را در گاتها زرتشت می نامد."

## نتیجه

به عقیده من "آریائی ها" نسبت شرایط سخت اقلیمی به مانند شمال اروپا به طور بدوی زندگی ونمی توانستند دائم درجائی باقی مانده و تمدنی بر راه اندازند، دائم در حرکت برای شکار و بدست آوردن خوراکه برای خود و حیوانات شان بودند، جاهای مساعد مانند کنار دریای نیل و دجله و فرات که همه فصل گرم بود، شرایط مساعدی را بوجود آورده بود که انسانها بتوانند، در یک محل جمع و به زراعت بپردازند. نه اینکه برای بدست آوردن خوراکه مجبور به مهاجرت شوند، آهسته آهسته جمعیت بزرگی گرد هم شدند، و با حاصل مازاد تولید، فرصت برای ظهور دیناستی و وجود آورنده تمدن ها، از قبیل سومری ها در کنار فرات و فراعنه در کنار نیل بوجود آمد، در حالیکه در قفقاز و ساحل دریای آمو با زمستان سرد چنین رخدادی بعید به نظر میرسید، همین طور شرایط اروپا بدان منوال بود.

پنجهزار سال پیش و کمی پیشتر از آن شروع دوره برونزاست، دوره آهن حدود 1200 سال قبل از میلاد، برای اولین بار در افریقای غربی بعد از شرق میانه و ایران رواج یافت، با گذشت 400 سال، به اروپا رسید. با بکاربرد آهن بقسم افزار، توانستند انسانها در مناطق نسبتاً نا مساعد بر مشکلات غلبه و دیناستی ها و تمدن هائی را بسازند. تعجب نباید کرد که قیمت آهن بعضاً بلند تر از طلا بود.

ولی تاریخ نویسان ما که افسانه را بجای تاریخ حقیقی قبول دارند، دنبال آثار آرخیلوجی نمیگردند، و شاید هم میدانند که افسانه، آثار آرخیلوجی ندارد، افسانه را هر قدر زیباتر و مبالغه آمیز تر بیان کنند شیرین تر میشود" بلخ زیبا با بیرق های بلند" و یا بعضی ها از پنجهزار گز شته، از دوره برونز چه که از دوره مس و حتی به دوره حجر میسرسانند، باید خود را از همه جلو تر قرار دهند، در غیر آن انسان آریائی محسوب نمیشوند، افسانه اندوزی با علم آموزی فرق دارد، و با عث آن میشود که مردم از تاریخ حقیقی خود نا آگاه بمانند.

مینویسند در فلان جا نوشته است، حتی حاضر به ارائه همان نوشته افسانه ای هم نیستند، این مصری ها و عراقی ها، با ارائه آثار آرخیلوژی خود ثبوت میکنند که تاریخ و تمدن بیش از پنجهزار ساله دارند، اسناد آن ها نه از روی افسانه بلکه آثار آرخیلوجی است، بطور مثال سومری ها آثار در بابلیون و غیره در دید تماشاگران قرار داده اند.



Bronze head of an Akkadian ruler

ca. 23rd - 22nd century BC

سر برونزی یک حکمران اکادین مربوط 2300 - 2200 قبل از میلاد ( هزار سال پیش از دوره آهن ) موزیم ملی عراق.

اگر میخواهند تاریخ باستانی افغانستان را معرفی کنند، به عوض افسانه سرائی، آثار باستانی که از نگاه علمی دلالت بر تاریخ افغانستان بکند، ارائه دهند، علم امروزی قادر است که تاریخ نسبتاً دقیقی آثار باستانی را تعیین کند.

انجنیر برات فرهید